

حضرت حق همه‌جا و با همه‌چیز هست، نه آن‌که حضرت حق، آن چیز باشد

شماره پرسش: ۲۴۵۷۴

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۸/۴/۲۴ ۰۵:۱۳:۲۴

متن پرسش

استاد گرانقدر سلام علیکم: در خطبه اول نهج البلاغه امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «كَأَنَّ لَا عَنْ حَدَثٍ، مَوْجُودٌ لَا عَنْ عَدَمٍ، مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُقَارَنَةٍ،» «ازلی است و چیزی بر او پیشی نجسته، و نیستی بر هستی اش مقدم نبوده، با هر چیزی است ولی منهای پیوستگی با آن»، «و غَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُزَايَلَةٍ» «و غیر هر چیزی است اما بدون دوری از آن» حال سوال بنده این است که قسمت «مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُقَارَنَةٍ، وَ غَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُزَايَلَةٍ» از کلام امام علی علیه‌السلام که با وحدت وجود منافات دارد، چگونه توسط حکمت متعالیه توجیه می‌شود؟ متشکرم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً همه‌ی تلاش معتقدین «وحدت وجود» برای آن است که سخن حضرت مولا «علیه‌السلام» درست فهمیده شود. بدین معنا که حضرت حق همه‌جا و با همه‌چیز هست، نه آن‌که حضرت حق، آن چیز باشد، بلکه همه‌ی مخلوقات، مظاهر حق‌اند به همان معنایی که حضرت مولی‌الموحدین «علیه‌السلام» می‌فرمایند: «ما رأيتُ شيئاً إلاّ و رأيت الله قبله و معه و بعده». موفق باشید